

سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌های عمومی شهر تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۷/۰۸/۱۴

مریم فرحزاد (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران)

مجتبی رفیعیان* (دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران)

سعید کامیابی (دانشیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران)

عباس ارغان (دانشیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران)

چکیده:

عرصه‌های عمومی فضا باید به گونه‌ای نظام یابند که بتواند حضور زنان را در کنار مردان و بدون دغدغه‌ها و محدودیت‌های فردی و اجتماعی میسر سازد. در واقع عرصه‌های عمومی فضا باید به گونه‌ای نظام یابند که بتواند حضور زنان را در کنار مردان و بدون دغدغه‌ها و محدودیت‌های فردی و اجتماعی میسر سازد. مسئله اصلی تحقیق درک ساختارهای پنهان ذهنی بانوان در محیط‌های شهری و الزامات حضوری آنها است. در این پژوهش تلاش می‌شود میزان رضایتمندی و تمایل بانوان به حضور در عرصه‌های عمومی در منطقه ۲۲ شهر تهران را ارزیابی نماییم. همچنین میزان مردانه یا زنانه بودن و عدالت جنسیتی هر یک از عرصه‌های عمومی از منظر بانوان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق کاربردی بوده و از نظر پارادایمی در زمره رویکردهای انتقادی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و مصاحبه به دست آمده است. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد از میان فضاهای بررسی شده، وجود عرصه‌های عمومی فعالیت تجاری بیشترین میزان تأثیر را حضور بانوان عرصه‌های عمومی دارد. پس از آن عرصه‌های عمومی فعالیت مذهبی، ورزشی، تفریحی و فرهنگی قرار دارند. همچنین مشخص شد فضاهای تجاری، تفریحی، ورزشی، فرهنگی و مذهبی به ترتیب بیشتر عدالت جنسیتی را از نظر بانوان دارند. بر اساس نتایج مدل WGR مشخص شد حق به شهر در بخش‌های شمالی منطقه و بالای اتوبان همت شرایط مطلوب‌تری را دارد و محدوده‌های غربی منطقه، امتیاز کمتری را به دست آورده‌اند. همچنین بررسی متغیرهای مدل نشان می‌دهد، در مناطقی که دسترسی مناسبی به امکانات و خدمات شهری دارند، دو عامل فاصله از فعالیت‌های تجاری و تفریحی ارتباط مستقیمی با حق به شهر دارند.

واژه‌های کلیدی: زنان، جنسیت، عدالت، فضای شهری، منطقه ۲۲ شهر تهران.

مقدمه و بیان مسئله:

فضا عنصر جدا نشدنی ساخت مادی و ساختار زندگی اجتماعی است و این بدان معنا است که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی درک نمود. (موحد و همکاران ۱۳۹۸: ۷۲) فضای شهری عرصه عمومی است که با لذات پذیرای آحاد افراد قشرهای جامعه است. امروزه حضور زنان در فضاهای شهری، به یک التزام تبدیل شده است. لوفور در کتاب «تولید فضا» استدلال می‌کند الگوهای فضایی، ثابت و مطلق نیستند بلکه توسط سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی مسلط و افرادی که قدرت سیاسی دارند، شکل گرفته‌اند (Doan, ۲۰۱۰: ۲۹۹). مطلق نبودن فضای شهری گواه این ادعا است که فضای شهری معلول شیوه ادراک فضا و متغیرهای اجتماعی مؤثر بر ادراک است. یکی از وجوه نسبی بودن فضا، انتظارات از فضا و شیوه ادراک فضا در زنان و مردان می‌باشد. بی‌شک جنسیت و تفکرات غالب مرتبط با آن، در ارتباط با فضا، گستردگی آن بر فضاهای در دسترس و محدودیت زنان تأثیرگذار است. به‌گونه‌ای که نوعی بی‌عدالتی اجتماعی که نشئت گرفته از جنسیت است، اتفاق می‌افتد و حق زنان را در دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها و حضور آزادانه و تردد بی‌خطر، از آنان را سلب می‌نماید. (Lukes, ۱۹۷۴: ۲۴۳).

پژوهشگران مطالعات زنان مفاهیم ساختار و جنسیت را به عنوان مفاهیم مرکزی در تحلیل فضا مورد تأکید قرار می‌دهند. ساختار مبتنی بر جنسیت، عدم توازن، سلطه، فضای طبقاتی و نابرابری اجتماعی را سبب می‌شود. نگرانی اصلی در مورد نابرابری‌های جنسیتی این است که این پدیده عمدتاً خاستگاهی ساختاری و جامعه شناختی دارد. به‌گونه‌ای که در صورت‌بندی اجتماعی سازوکاری وجود دارد که نابرابری مبتنی بر جنسیت را تولید و بازتولید می‌کنند. نظریه پردازان اجتماعی اصرار دارند که این امر محدود به کشورهای توسعه نیافته نیست بلکه معلول ساختار آگاهی جامعه و مبانی تفکر و ایدئولوژیک است. در واقع هژمونی مردانه در ساختار جامعه سبب تولید و شکل‌گیری فضاهای مردانه در عمل می‌شود (Daphne, ۲۰۱۴: ۵۸۱; Sofer, ۲۰۱۶: ۲; Beebejaun, ۲۰۱۶: ۳۲۳-۳۲۵). سؤال این

است این چنین صورت‌بندی اجتماعی چگونه در جوامع به وجود می‌آید؟

به هر حال فارغ از اینکه فضا را چگونه تفسیر کنیم، باید گفت عرصه‌های عمومی فضا باید به‌گونه‌ای نظام یابند که بتواند حضور زنان را در کنار مردان و بدون دغدغه‌ها و محدودیت‌های فردی و اجتماعی میسر سازد. فضاهای عمومی را دارای رسالتی برای افزایش سرمایه‌های اجتماعی در جوامع، در بستر تعاملات و مراودات اجتماعی می‌دانند که می‌تواند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی باشند. (مجیدی خامنه و همکاران، ۱۳۹۹: ۶) در

این پژوهش تلاش می‌شود حضور بانوان در عرصه‌های عمومی مختلف، شامل عرصه‌های تجاری، فرهنگی، مذهبی، ورزشی، تفریحی بررسی نموده و از آن طریق میزان رضایتمندی و تمایل بانوان به حضور در هریک از عرصه‌های عمومی فوق را ارزیابی نماییم. همچنین میزان مردانه یا زنانه بودن هریک از عرصه‌های عمومی تجاری، فرهنگی، مذهبی، ورزشی، تفریحی منطقه ۲۲ از منظر بانوان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش در واقع عدالت جنسیتی در عرصه‌های فضائی مختلف سنجش می‌شود. در نهایت زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر چگونگی ادراک عرصه‌های عمومی مختلف مورد بحث به تفکیک فعالیت تفسیر و تشریح می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

حقوق شهروندی^۱ و ابعاد آن سال‌ها مورد بحث بوده است (Janoski, ۱۹۹۷:۵۷) اما ایده حق به شهر^۲ را اولین بارهانی لوفور در سال ۱۹۶۸ بکار برده است (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵:۲۶). شهروندی در اندیشه حق به شهر مفهوم خود را نه در حضور در شهر بلکه در حضور در جامعه مدنی و اجتماع جست‌وجو می‌نماید. لوفور برای تعریف تعلق به یک اجتماع سیاسی از مفهوم شهروندی رسمی استفاده نمی‌کند؛ بلکه مفهوم سکونت^۳ را به عنوان مفهومی هنجاری مطرح می‌کند. زیرا شهروندی مفهومی با بار معنائی حقوقی است حال آنکه سکونت مفهومی فراگیر است که حضور در جامعه را شامل می‌شود (شارع پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۲). در این معنا اگر شهروندی را مبتنی بر عضویت در یک اجتماع سیاسی بدانیم، حق به شهر مبتنی بر اشتراک در سکونتگاه است (عظیمی‌هاشمی و رضوی زاده، ۲۰۱۳:۸۹). در واقع حق شهرنشینی، گواه بر حقی است که شهروندان را در راستای مطالبه و درخواست حقوق قانونی وعظ شده برای آنها مجاز می‌داند؛ اما حق به شهر حق بر تصمیم‌گیری بر روی ماهیت و نوع حقوق افراد و تجدید حقوق شهری ساکنان شهر (شامل شهروندان و سایرین) است (McCann, ۲۰۰۲:۷۷-۷۹). از این روی حق به شهر بسیار فراتر از آزادی‌های فردی است بلکه حق تغییر و بازآفرینی شهر در تعاملی جمع‌گرایانه و شبکه‌ای از کنش‌های فضایی است (Harvey, ۲۰۱۲:۵). تعبیری آرمان شهری از اجتماع که پیشنهادها و ایده‌های جمعی الهام‌بخش برای حرکت اجتماعی و جهانی بهتر را به همراه دارد. حق به شهر یک شعار جهانی است بر علیه شهرهای مدرنی که در آنها فرایندهای عمومی و سود خصوصی شده است و توسعه

¹ Citizenship

² The right to

³ Inhabitation

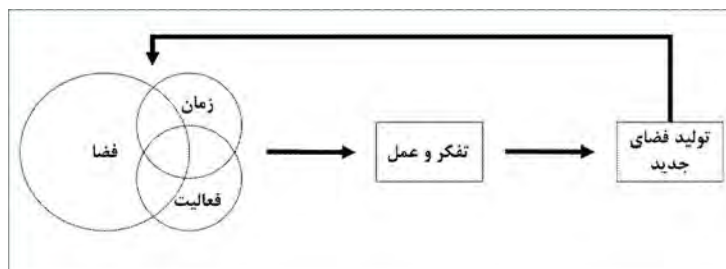
در وهله اول امری شرکتی و بازار محور است (Isensee, ۲۰۱۶: ۳). تحقق عدالت، احقاق حق گروه‌های محروم مانده یا گروه‌هایی که حق آنها ضایع شده است، رفاه و بهره‌مندی مهمترین ابعاد حق به شهر را بیان می‌دارد (Rodrigues, ۲۰۱۵: ۲۲۵). از نظر لوفور "حق به شهر" دو مؤلفه عمده دارد:

- حق تخصیص فضای شهری.

- حق مشارکت مرکزی در تولید فضای شهری

تخصیص فضا به مفهوم کارکرد فضا و قابلیت استفاده از فضا به صورتی بی‌واسطه و مطابق با ارزش‌ها برای شهروندان است، تخصیص فضا باید به‌گونه‌ای باشد که همه انواع فعالیت‌های موجود در شهر بر مبنای ارزش توسط آحاد شهروندان قابل حصول و استفاده باشد (Purcell, ۲۰۰۳: ۵۶۵-۵۶۶). این امر مستلزم حق زندگی، بازی، کار، بازنمایی، تشخیص بخشیدن و اشغال فضای شهری در یک شهر خاص است. در صورت چنین تخصیصی شاهد سرزندگی شهری خواهیم بود. لوفور سرزندگی شهری را در قالب سه متغیر امنیت، ارتباط و تفریح می‌داند (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

حق مشارکت دیگر پایه حق به شهر است. این حق ناظر بر نقش شهروندان در تصمیم‌گیری در کنترل و بازتولید فضای شهری است. این تصمیمات باید در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و در زمینه‌ها و موضوعات مختلف مربوط به تخصیص فضا (اقتصادی، اجتماعی، مدیریت و...) و نظارت بر آن صورت پذیرد (purcell, ۲۰۰۳: ۵۶۷). فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند، ولی به محض آن که یک گروه انسانی فعالیتی را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می‌شود. (ذکاوت و همکاران ۱۳۹۹: ۱۹۹) لوفور فضا به عنوان یک محصول اجتماعی و ناشی از روابط انسان‌ها با هم می‌داند. فضا ریشه در روابط اجتماعی دارد. فضا نه تنها به‌واسطه‌ی روابط اجتماعی تداوم می‌یابد؛ بلکه افزون بر این، روابط اجتماعی را تولید می‌کند و خود به‌واسطه‌ی روابط اجتماعی تولید می‌شود. در این تعبیر فضا نه به عنوان ظرف فعالیت بلکه ظرفی از کنش در بستر زندگی جمعی مطرح می‌شود. علاوه بر تقسیم‌بندی‌های صرفاً فضائی، امکان دسته‌بندی فضائی-زمانی در به‌کارگیری فضاهای شهری قابل انجام است. ایجاد محدودیت زمانی در استفاده از خدمات شهری مانع بهره‌مندی شهروندان و مانع تخصیص فضا است. تخصیص زمان‌ها و مکان‌های خاص شهری به یک گروه یا جنسیت خاص چه به طور رسمی چه غیررسمی مانع حق به شهر است. در شکل زیر به طور خلاصه چرخه تولید فضا "از لحظه اکنون" نشان داده شده است.



شکل ۱: چرخه تولید فضا

مأخذ: نگارندگان با اقتباس از Lefebvre, ۱۹۹۶.

نگاهی تحلیلی به مطالعات صورت گرفته در این زمینه چهار دسته پژوهش را مشخص می‌نماید. برخی از نظریه پردازان از قبیل آرنت، دیویدف معتقد به بازسازی عرصه‌های عمومی با مشارکت و دسترسی زنان و سایر گروه‌های کمتر دیده شده در فضا هستند. دیویدف از "عرصه‌ها جایگزین" صحبت می‌کند. بر اساس این ایده زنان باید به فضاهای خاصی دسترسی داشته باشند که زنانه باشد و از خلال این فضاها روابطی را با بطن اجتماع برقرار نمایند. به عبارتی دیگر سلسله مراتبی از فضاها را بیان می‌دارد که در آن زنان از طریق فضاهای زنانه به عرصه عمومی وارد می‌شوند (غیاثوند، ۱۳۹۳: ۸۶).

چنین فضاهای جنسیتی باید واجد ویژگی‌هایی باشد (Doan, ۲۰۱۰: ۳۰۰).

- فضایی سلسله‌مراتبی است.
- محدودیت فضائی-زمانی در حضور زنان در فضا
- تجربه‌های متفاوت

کامرون داف (Duff, ۲۰۱۷: ۵۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "حق به شهر مؤثر" به جنبه‌های تأثیرگذاری و عملیاتی حق شهر را با تمرکز بر تحقق این حق از منظر مادی، می‌پردازد. تحقیقات وی نشان می‌دهد که جنبه‌های مادی و ملموس حق به شهر در اشغال فضاهای شهری و حضورپذیری و رفتار افراد در فضا شکل می‌گیرد. بنابراین تأکید می‌کند ضرورت دارد از ابعاد قانونی حق به شهر فاصله گرفته و ابعاد عملیاتی و تأثیرات آن در فضا پرداخته شود.

دسته دوم، مشارکت و حضور زنان را مورد توجه قرار می‌دهند. از این قسم می‌توان به پژوهش شارع پور و دیگران در سال ۱۳۹۴ در بررسی جنسیتی بعد مشارکتی حق به شهر، ادراک شهروندان، مشارکت، سازماندهی و تولید فضا را مورد بررسی قرار می‌دهد. ایشان به تبیین ارتباط مشارکت و حق به شهر به تفکیک جنسیت و تبیین رابطه قدرت، سرمایه و حق به شهر می‌پردازند. برای این منظور جنسیت، تمایل به مشارکت، سرزندگی، سهم فیزیکی و کنترل

فضا مورد پرسش قرار داده‌اند (شارع پور و دیگران، ۱۳۹۴). حاجی احمدی و دیگران نیز به تحلیل حق به شهر از منظر زنان و مشارکت پرداختند و میزان انجام فعالیت زنان در فضای عمومی و مشارکت افراد را بررسی نمودند. در این پژوهش نتیجه شد که رابطه مستقیمی میان افزایش تقویت معیارهای ایمنی و امنیت و معاشرت پذیری و زمان حضور بانوان در فضای شهری وجود دارد (حاجی احمدی و دیگران، ۱۳۹۴).

خدایاری مطلق و همکاران با استفاده از نظریه حق به شهر لوفور و شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری لینچ، میزان حق به شهر را مورد بررسی قرار می‌دهند. بر این اساس نتیجه می‌شود اهمیت فضاهای عمومی در شهر و در تحقق حق به شهر لوفور غیرقابل انکار است و در طراحی فضاها باید شاخص‌های فوق‌الذکر را مورد توجه قرار داد (خدایاری مطلق و همکاران، ۱۳۹۶).

میدلتون (Middleton, ۲۰۱۶) بحث می‌کند که طیف وسیعی از نظریات اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌ریزی شهری و حمل و نقل بر این نکته تأکید می‌کنند که پیاده‌روی به عنوان یک عمل در شهر باید بدون مشکل صورت پذیرد. در نهایت نتیجه می‌گیرد، ظرفیت‌سازی برای پیاده‌روی در شهر و تشویق افراد به آن و طراحی فضاهای شهری در راستای ترغیب افراد به پیاده‌روی آن هم به صورتی که امکان همراهی جمعی و تعامل میان افراد وجود داشته باشد به تحقق حق به شهر منجر می‌شود.

دسته‌ای سوم، تفاوت‌ها و نیازهای متفاوت زنان و مردان را می‌سنجد. رفیعیان و همکاران در سال ۱۳۹۲ در بررسی رضایتمندی و کیفیت فضای شهری با تأکید بر زنان ابعاد عملکرد، مشارکت، آسایش فیزیکی، آسایش روانی و لذت را مورد توجه قرار دادند. در نهایت نتیجه گرفتند که تفاوت معناداری در میزان کیفیت در بین زنان و مردان وجود دارد و زنان کیفیت فضائی پایین‌تری از مردان مطرح نموده‌اند (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۲). ذکائی در سال ۱۳۹۵ به مطالعه تجارب بانوان در مواجهه با فضاهای فراغتی عمومی می‌پردازد و الگوهای ذهنی ایشان را بازیابی می‌نماید. رفتارهای بانوان و انتخاب آنها در شهر به سمت فضاهائی گرایش دارد که عاملیت و انتخاب‌گری بیشتری در در فضاهای عمومی داشته باشند تا انفعال و احتیاط (ذکائی، ۱۳۹۵).

در سال ۲۰۱۷ در یک تحقیق مداخلات در کوچه‌ها از منظر زنان و مردان مورد بررسی قرار گرفت و با تأکید بر متغیر امنیت تفاوت میان زنان و مردان را در درک فضا و احساس امنیتشان سنجیده شد. مشخص شد الگوهای نظم یافته امنیت بالاتری نسبت به الگوهای

طبیعی دارند و از سوئی دیگر مردان نسبت به زنان احساس امنیت بالاتری در فضاهای یکسان دارند (Jianga, ۲۰۱۷).

دان میشل ابعاد مختلف حق به شهر را در منظر مخالفان و معترضان، دانش آموزان، بی‌خانمان‌ها، شهروندان، کارگران و... را بحث می‌نماید. در این کتاب نظریه عدالتی را برای پیش بینی مباحث و کشمکش‌های شدید در فضای شهری ارائه می‌شود. در این خصوص با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی، حق آزادی صحبت، اجتماع و ارتباط آنها با مکان حق به شهر در عرصه فضاهای عمومی شهری بیان می‌شود (Gieryn, ۲۰۰۰). جیران با تأکید بر وابستگی جامعه شناسان به مکان، تلاش می‌نماید چگونگی شکل‌گیری مکان‌ها و فرایندهای تاریخی شکل دهنده آنها را بررسی نماید. در این تحقیق بحث نابرابری، تفاوت، قدرت، سیاست، تعامل، اجتماعات، جنبش‌های اجتماعی، انحراف، جرم و جنایت، دوره زندگی، علم، هویت، حافظه، تاریخ در مکان بحث شده است (Gieryn, ۲۰۰۰). در تحقیق دیگر سلامت روانی و اجتماعی، عامل اصلی و جهت‌گیری مسلط در فضا سازی‌ها معرفی شده است و با تبیین رویکرد "فضای عمومی خوب" پاسخگوئی، معناداری و دموکراتیک بودن ویژگی چنین فضائی نامیده می‌شود. در این مقاله چهار شاخص برای سنجش فضای شهری خوب مورد توجه قرار گرفته است. این موارد عبارتند از شمول، معنی‌دار بودن، ایمنی، راحتی و رضایتمندی (Mehta, ۲۰۱۳).

آخرین دسته به تحولات اجتماعی زنان و حضور ایشان در فضای شهری پرداخته است. کلانتری و صدیقی کسمایی به بررسی نقش و تأثیر مدرنیسم و سرمایه‌داری و توسعه صنعتی قبل از انقلاب و تغییر فضاهای شهری و مطالبات مردم و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریات و تفکرات هاروی انتظارات مردم و مطالبات مردم در بستر فضاهای شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد (کلانتری و صدیقی کسمایی، ۱۳۹۶).

در یک پژوهش که نتایج آن به صورت سخنرانی و گزارش در سال ۲۰۱۵ ارائه شد آمده است؛ زندگی و فرهنگ زنان هند بعد از ۱۹۹۰ مفاهیم جدیدی را در عرصه‌های کار، تفریح و ارتباط و تعاملات به خود دیده است. این امر در دهلی نو به وضوح قابل درک است. این رهائی اتفاق افتاده در عین حال با ریسک‌ها و آسیب‌پذیری‌هائی همراه است. این تناقضات به طور چشمگیری در عرصه‌های عمومی از نظر پوشش و رفتار، مکان حضورشان، همراهانشان، زمان حضورشان مشاهده می‌شود (Butcher, ۲۰۱۵). در مقاله‌ای مشابه نقش زن در اجتماع در عربستان سعودی از منظر فضاهای تفکیک شده و فضاهای مختص زنان بررسی می‌شود و بیان می‌شود چگونه نیازها و تفکرات و رفتارهای زنان در فضاهای اختصاصی آنها پاسخ داده می‌شود.

و مباحثات نظری در مورد ابعاد مثبت و منفی این فضاهای عمومی را مطرح می‌نماید (Geel, ۲۰۱۶).

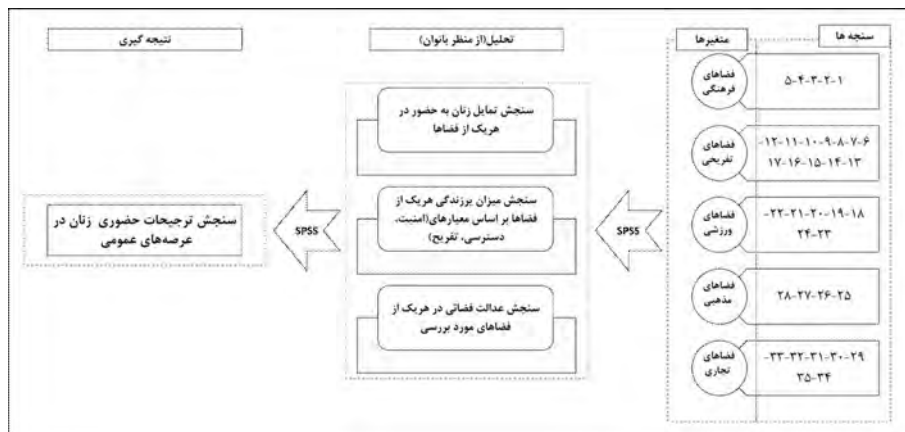
روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از منظر ماهیت علی-توصیفی است. در این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی ابعاد موضوع پرداخته شده است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۷۳). جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفت. نتایج پرسشنامه‌ها به صورت کمی تحلیل شده‌اند و زمینه‌ها و عوامل ضمنی مؤثر بر مسئله از طریق مصاحبه استخراج شده‌اند.

به دلیل مکنون بودن متغیرهای پژوهش برای بررسی ارتباط و وابستگی میان متغیرها از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش بانوان ساکن منطقه ۲۲ شهر تهران می‌باشد.

روش نمونه‌گیری تصادفی بوده برای پیش‌آزمون نمونه ۲۰ از بانوان به صورت تصادفی انتخاب شدند و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها آزمون روایی و پایایی توسط آلفای کرونباخ گرفته شد که نتایج بیانگر صحت پرسشنامه و قابلیت توزیع برای آزمون نهایی بوده است بنابراین برای آزمون نوبت دوم با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر به دست آمد و در هر ناحیه بعد از تعیین حجم نمونه ۵۰ پلاکزوج و ۵۰ پلاکفرد مسکونی انتخاب شده و با مراجعه پرسشنامه‌ها تکمیل گردید و تجزیه و تحلیل آماری انجام شد.

چنانچه در شکل ۲ نمایش داده شده است، تحلیل‌ها در پی سنجش اول؛ میزان تمایل بانوان، دوم؛ سرزندگی فضا و سوم؛ عدالت جنسیتی فضا در هریک از فضاهای فرهنگی، تفریحی، ورزشی، مذهبی، تجاری است. برای این منظور از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. متغیرهای مورد بررسی شامل ابعاد کیفی فضاهای شهری، میزان عمومی بودن فضا از نظر بانوان است. همچنین عامل فاصله و نوع فعالیت به عنوان متغیرهای مستقل در تحلیل فضائی حق به شهر مد نظر قرار گرفته است.



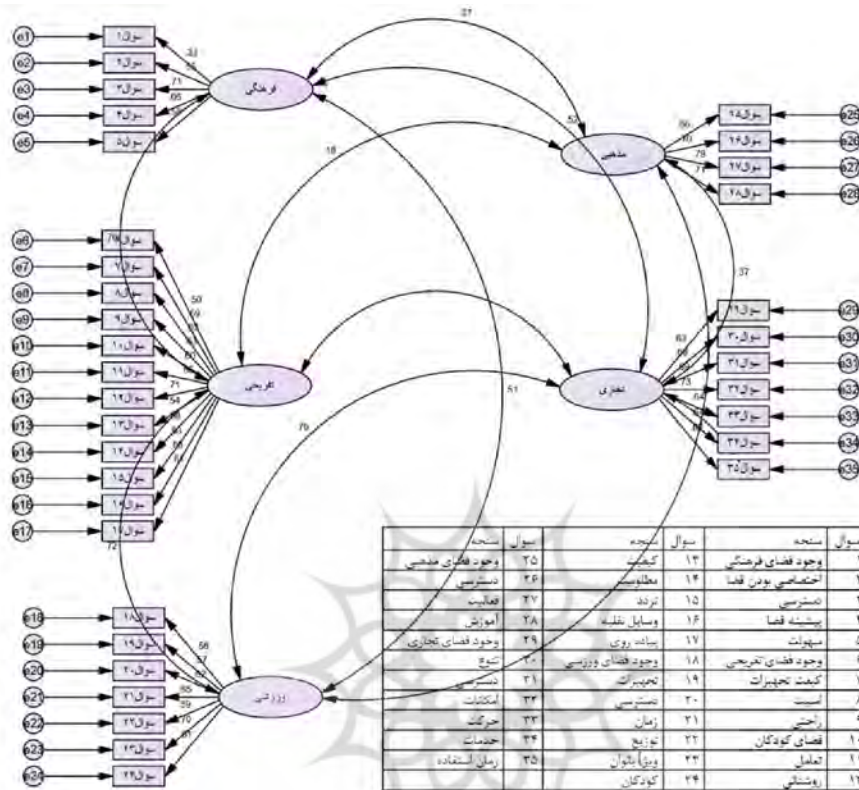
شکل ۲: مدل مفهومی تحقیق
مأخذ: نگارندگان

چنانچه گفته شد محدوده مورد مطالعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران، واقع در شمال غربی شهر تهران با وسعتی حدود ۶۰۰۰ هکتار محدوده شهری و ۳۰ هزار هکتار حریم است. این منطقه به دلیل ویژگی‌های خاص طبیعی و موقعیت خود در پهنه پایتخت، به عنوان منطقه‌ای مستعد قطب گردشگری شناخته شده و چشم‌انداز آینده آن بر این اساس استوار شده است.

بحث

رابطه و تأثیر متغیرهای حق به شهر در فضاهای شهری منطقه ۲۲ در این پژوهش به صورت هم‌زمان اثر هریک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته (رضایتمندی و تمایل به استفاده از فضاهای عمومی توسط بانوان) و همبستگی بین متغیرهای مستقل با عدالت جنسیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما پیش از بررسی این مدل، باید معناداری هریک از مؤلفه‌ها بررسی و در صورتی که اثر یک مؤلفه (سؤال) معنی‌دار نیست، آن را از مدل خارج کنیم. از این روی در ابتدا بررسی معنادار بودن و میزان همبستگی بین متغیرها و میزان تأثیر هریک از سنجه‌ها بر روی متغیرهای مستقل پرداخته شد. برای این منظور ضرایب رگرسیون محاسبه شده و این ضرایب رگرسیون استاندارد شده است. با استاندارد کردن ضرایب رگرسیون، این ضرایب مستقل از واحد اندازه‌گیری خود شده و امکان مقایسه بین آنها میسر می‌گردد (شکل ۲). سپس معنادار بودن ضرایب عاملی محاسبه شده در مدل مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب عاملی محاسبه شده، میزان تأثیر و معنادار بودن آن را بر روی متغیر وابسته نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار احتمال در تمام موارد کمتر از

۰,۰۵ بوده و تمام ضرایب معنادار هستند. بیشترین عامل مؤثر در احساس رضایتمندی و تمایل به استفاده، فضاهای تجاری و کمترین تأثیر برای فضاهای فرهنگی است (جدول ۱).



شکل ۳: ساخت مدل تحلیل و ضرایب رگرسیون استاندارد شده سنجها و متغیرها
مأخذ: نگارندگان

جدول ۱: ضرایب اهمیت وجود فضاهای عمومی بر رضایتمندی فضا

متغیر مستقل	ضریب عاملی	رتبه در تأثیر	S.E	C.R	P	نتیجه فرضیه
فرهنگی	۳۷۶.	۶	۰۶۸.	۵,۵۱۳	***	پذیرش فرضیه در سطح معنی داری ۹۵ درصد
تفریحی	۴۶۴.	۳	۰۷۴.	۶,۲۶۲	***	پذیرش فرضیه در سطح معنی داری ۹۵ درصد
ورزشی	۴۶۴.	۳	۰۷۵.	۶,۱۹۴	***	پذیرش فرضیه در سطح معنی داری ۹۵ درصد

^۱ *** به معنای صفر بودن عدد تا سه رقم اعشار است.

پذیرش فرضیه در سطح معنی داری ۹۵ درصد	***	۶,۶۶۷	۰,۷۰.	۲	۴۶۹.	مذهبی
پذیرش فرضیه در سطح معنی داری ۹۵ درصد	***	۶,۴۶۱	۰,۸۱.	۱	۵۲۱.	تجاری

مأخذ: نگارندگان

در ادامه همبستگی بین متغیرهای مستقل با عدالت جنسیتی (عمومی بودن فضا از نظر بانوان) مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به اطلاعات جدول، همبستگی بین تمام متغیرهای مستقل معنادار است (نگاه شود به جدول شماره ۲). همچنین در آخرین ستون ضریب استاندارد همبستگی بین متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است^۱. بیشترین همبستگی بین دو متغیر فضاهای تجاری و عمومی بودن فضا با ضریب همبستگی ۰,۷۶۴ می باشد.

جدول ۲: ضرایب تأثیر^۲ و ضرایب همبستگی^۳ استاندارد متغیرهای مستقل با عدالت جنسیتی

ضرایب همبستگی استاندارد	ضرایب غیراستاندارد				
Estimate	P	C.R.	S.E.	Estimate	
۷۶۴.	***	۷,۲	۰,۵۱.	۳۶۹.	تجاری
۱۸۰.	۰,۰۶.	۲,۷۶۵	۰,۳۰.	۰,۸۳.	مذهبی
۶۷۶.	***	۶,۷۵۷	۰,۴۶.	۳۰۸.	ورزشی
۶۸۱.	***	۶,۹۴۱	۰,۴۵.	۳۱۰.	تفریحی
۴۳۴.	***	۵,۲۳۵	۰,۳۴.	۱۷۸.	فرهنگی

مأخذ: نگارندگان

بررسی نتایج میزان تأثیر انواع فضاهای عمومی در سطح منطقه ۲۲ بر رضایتمندی تمایل به حضور بانوان در عرصه‌های عمومی نشان می‌دهد از میان فضاهای بررسی شده وجود عرصه‌های عمومی فعالیت تجاری بیشترین میزان تأثیر را حضور بانوان عرصه‌های عمومی دارد. با توجه به ماهیت فعالیت‌های تجاری و نقش بانوان در اظهار نظر نمودن در خرید وسایل، تأمین مواد غذایی این امر قابل توجیه می‌باشد. همچنین بر اساس مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت

^۱ دقت شود این جدول نتیجه دو تحلیل جداگانه بود که در یکجا نمایش داده شده است.

^۲ Covariances

^۳ Correlations

گرفته مشخص می‌شود، فرهنگ خرید-تفریح حاکم در عرصه‌های عمومی به خصوص در میان بانوان سبب می‌شود حضور در بازارها و پاساژها را نه به عنوان یک فعالیت تجاری بلکه به عنوان گذران اوقات فراغت تعبیر نمایند. بر اساس مطالعات صورت گرفته حضور افراد در عرصه‌های عمومی با فعالیت تجاری، به دلیل مکانیابی مناسب این‌گونه مکان‌ها و سهولت دسترسی به آنها جذابیت بیشتری را برای بانوان به همراه دارد. همچنین ماهیت عملکرد این‌گونه فضا به‌گونه‌ای است که احساس امنیت بیشتری را در بانوان ایجاد می‌نماید. علت این امر نظارت عمومی، حضور قابل توجه افراد، نظارت نهادی و همچنین عدم وجود فضاهای پنهان بیان شده است. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته این بحث در پهنه‌های پرتراکم‌تر و نوسازتر منطقه که مجموعه‌های تجاری متمرکز بیشتری را دارند، مشهودتر است.

عرصه‌های فعالیت مذهبی در مرتبه دوم تأثیرگذاری بر تمایل به حضور بانوان در فضا قرار دارد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توزیع نسبتاً مناسبی از این فعالیت‌ها شامل مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها در سطح منطقه وجود دارد. از نظر بانوان این فضاها غالباً در سطح بالائی از امنیت ارزیابی شده‌اند. همچنین دسترسی نسبتاً مناسبی به این مکان‌ها وجود دارد. عرصه‌های فعالیت ورزشی و تفریحی در مرتبه بعدی قرار دارند. هر دو فعالیت فوق در زمره فعالیت‌های گذران اوقات فراغت می‌باشند که بانوان گرایش به استفاده از آنها دارند. البته در مورد فضاهای تفریحی شامل بوستان‌ها و پارک‌ها؛ وجود ارادل و اوباش و یا فضاهای پنهان، دسترسی نامناسب، فقدان نور مناسب، عدم وجود مبلمان شهری مناسب، وجود افراد غریبه در فضا به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر امنیت پایین این اماکن از منظر بانوان می‌باشند.

در مورد فعالیت‌های ورزشی نیز بانوان ضعف در دسترسی مناسب به این اماکن و همچنین کیفیت پایین خدمات و تسهیلات عمومی ارائه شده را به عنوان مهمترین نکات منفی ذکر نموده‌اند. به همین دلیل بانوان اغلب حضور و استفاده از این اماکن را منوط به حضور گروهی با سایر دوستان یا همراهی همسر یا یک مرد دانستند. تعدادی قابل توجهی از افراد نیز ترجیح داده‌اند که از باشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی خصوصی مختص بانوان استفاده نمایند. عرصه‌های فعالیت فرهنگی در آخرین رتبه تأثیرگذاری بر تمایل به حضور بانوان در فضا قرار دارد. این اماکن واجد دسترسی مناسبی هستند و غالباً نیازمند وسیله نقلیه شخصی برای رفت و آمد هستند. از آن گذشته زمان فعالیت و حضور افراد در آن محدود است. به‌گونه‌ای که به گفته بانوان عصرها و زمان‌هایی که افراد غالباً برای تفریح بیرون می‌آیند مانند روزهای تعطیل، این اماکن باز نمی‌باشند.

چنانچه در ادبیات نظری بحث شد، لوفور سه شاخص امنیت، ارتباط و تفریح را لازمه سرزندگی در تخصیص فضا می‌داند. بر این اساس در این بحث این سه شاخص برای هر یک از فضاهای مورد بحث بررسی می‌شود. چنانچه مشاهده می‌شود، فضاهای تجاری در هر سه شاخص مثبت ارزیابی شده‌اند. جدول شماره ۳ ارزیابی معیارهای سرزندگی فضا از منظر لوفور را به تفکیک انواع عرصه‌های عمومی بیان می‌دارد.

جدول ۳: ارزیابی معیارهای سرزندگی فضا از منظر لوفور به تفکیک انواع عرصه‌های عمومی منطقه ۲۲

فعالیت عرصه عمومی	ارتباط	امنیت	تفریح
تجاری	+	+	+
مذهبی	±	+	±
تفریحی	±	-	+
ورزشی	-	±	+
فرهنگی	-	±	±

مأخذ: نگارندگان

بحث دیگر سنجش عدالت جنسیتی در هر یک از عرصه‌های عمومی بررسی شده منطقه ۲۲ است. بر اساس نتایج ارزیابی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد فضاهای تجاری، تفریحی، ورزشی فرهنگی و مذهبی به ترتیب بیشتر عدالت جنسیتی را از نظر بانوان دارند. به عبارتی دیگر در حال حاضر بانوان در فضاهای تجاری سهم برابری با مردان از نظر فعالیت و بهره‌مندی دارند و این امکان برای بانوان وجود دارد که به تنهائی و با آسایش خیال در این فضاها حضور دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند. در نقطه مقابل فعالیت‌های مذهبی قرار دارد. با توجه به ماهیت جدا بودن فعالیت‌های مذهبی میان مردان و زنان و زانه بودن این گونه فضاها، بنابراین این فضاها را نمی‌توان به عنوان فضاهائی که عدالت جنسیتی در آن وجود دارد ارزیابی نمود. بلکه برعکس چنانچه مشاهده می‌شود پایین‌تر مقدار محاسبه شده برای عرصه‌های عمومی مذهبی بود؛ اما در عین حال مطابق جدول ۳ این فضاها سطح بالائی از امنیت را در نظر بانوان دارد. در سطح بعدی عرصه‌های فعالیت فرهنگی و ورزشی قرار دارد. متأسفانه در این فضاها این فضاها به تناسب ماهیت فرهنگی‌شان تعادل در پاسخگویی به نیازهای زنان و مردان وجود ندارد و غالباً فضاهائی مردانه مشاهده می‌شود و یا بانوان ترجیح می‌دهند به همراه مردان در این فضاها حضور یابند.

-توزیع فضائی حق به شهر در منطقه ۲۲-

در نهایت توزیع فضائی حق به شهر و تغییرات ضرایب رگرسیون فضائی با استفاده از مدل $(RegressionGWR \text{ Weighted Geographically})$ محاسبه می‌شود. برای این منظور از نتایج داده‌های اکتشافی مطالعه شده در مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. برای اعتبار سنجی مدل شاخص‌های ضریب اهمیت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، میزان بزرگی احتمال تغییرات متغیرهای اکتشافی (تحلیل آماری Koenker)، جهت تأثیرات، سنجش میزان تکراری بودن متغیرهای اکتشافی (شاخص VIF_1)، چولگی، درجه خوشه‌ای شدن متغیرها $(autocorrelation \text{ spatial})$ ، ضریب تعیین مدل (میزان R^2 محاسبه شده در این مدل ۰,۷۶۶ می‌باشد) مورد بررسی قرار گرفت.

بر این اساس متغیر ورزشی معنادار نبوده و از مدل حذف شد. با توجه به ضریب تغییرات و مقایسه آن با نتایج تحلیل مسیر صورت گرفته متغیرهای موقعیت کاربری‌های فرهنگی (به دلیل ضعف این خدمات در منطقه ۲۲) و مذهبی (به دلیل ۱- محدود بودن زمان آن فعالیت‌ها ۲- زنان غالباً به همراه مردان در این فضاها حضور پیدا می‌کنند بنابراین به عنوان یک فعالیت زنانه محسوب نمی‌شود) از مدل حذف می‌شوند. اما متغیر موقعیت کاربری‌های فرهنگی با وجود منفی بودن ضریب آن (که بر خلاف نتایج بخش اول است)، با توجه به ضرایب اهمیت بالای محاسبه شده برای فعالیت‌ها در بخش قبلی، در مدل حفظ می‌شود. در نهایت تغییرات ضریب رگرسیون حق به شهر بر اساس مدل WGR ترسیم می‌شود.

جدول ۴: نتایج مدل در مرحله سوم (پس از حذف متغیرهای مذهبی و فرهنگی و ورزشی)

variable	Coefficienta	StdError	t-Statistic	probablity	Robust_SE	Robust_t	(Robust_Pr	VIFc
Intercept	۹۰,۴۳۱۵۳	۰,۱۳۰۰۲۸	۶۹,۵۴۷۴۸۱	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۱۱۵۶۳۲	۷۸,۲۰۵۷۳۹	۰,۰۰۰۰۰۰	-----
TEJARI	۰,۴۲۱۸۶۰	۰,۰۵۵۷۷۰	۷,۵۶۴۲۷۹	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۶۶۷۳۶	۶,۳۲۱۲۹۵	۰,۰۰۰۰۰۰	۳,۲۹۷۷۴۵
TAFRIHI	-۱,۹۴۳۰۷۸	۰,۴۳۴۱۷۰	-۴۴,۷۵۳۴۹۱	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۵۰۶۷۹	-۳۸,۳۴۱۲۵۳	۰,۰۰۰۰۰۰	۳,۲۹۷۷۴۵

مأخذ: نگارندگان

بر این اساس مشاهده می‌شود که حق به شهر در بخش‌های شمالی منطقه و بالای اتوبان همت شرایط مطلوب‌تری را داشته است. بانوان در این مناطق احساس رضایت بیشتری را داشته‌اند. محدوده‌های غربی منطقه امتیاز کمتری را به دست آورده‌اند. تغییرات فضائی حق به شهر در کل منطقه تحت تأثیر متغیرهای مدل نمی‌باشد. اما در بخش‌هایی که امتیاز بالائی را

¹ Variance Inflation Factor (VIF)

داشته‌اند (به طور خاص بلوک‌های مسکونی شمال اتوبان همت) ضرایب رگرسیون بالاتری داشته‌اند. در واقع در مناطقی که دسترسی مناسبی به امکانات و خدمات شهری دارند، دو عامل فاصله از فعالیت‌های تجاری و تفریحی ارتباط مستقیمی با حق به شهر دارند. اما در محلاتی که از نظر شاخص‌های حق به شهر در مراتب پایین‌تری قرار دارند، این ارتباط مشاهده نمی‌شود.



نقشه ۱: تغییرات توزیع فضائی حق به شهر

مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب باید، در این پژوهش برای بررسی حضور زنان در عرصه‌های عمومی در دو بحث مد نظر قرار گرفت.

- تأثیر وجود عرصه‌های عمومی فعالیتی بر رضایتمندی و تمایل به حضور بانوان در فضا
- احساس و عدالت جنسیتی درک شده توسط بانوان در عرصه‌های عمومی.

بحث اول به بررسی حضور و رضایتمندی بانوان در هریک از فضاها می‌پردازد. بحث دوم به دنبال این امر است که آیا بانوان در این فضاها سهم برابری با مردان از نظر فعالیت و بهره‌مندی دارند. آیا به تنهایی در این فضاها حضور دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند یا برخورداری از آنها نیازمند همراهی است. بر اساس مطالعات نظری بررسی شده ظهور فضاهای شهری پویا و تحقق حق به شهر نیازمند تخصیص مناسب فضا و مشارکت همه شهروندان در تولید فضا است.

تخصیص فضا باید به‌گونه‌ای باشد که همه انواع فعالیت‌های موجود در شهر بر مبنای ارزش توسط آحاد شهروندان قابل حصول و استفاده باشد. چنین فضایی باید واجد امنیت، دسترسی و ارتباط و تفریح باشد. این چنین است که شهرهائی سرزنده حاصل می‌شود.

بر این اساس معیارهای سرزندگی عرصه‌های عمومی فضائی منطقه ۲۲ ارزیابی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد عرصه‌های عمومی فعالیت تجاری بیشترین امتیاز را از منظر معیارهای سه گانه ارتباط، امنیت و تفریح کسب نموده‌اند. بانوان تمایل زیادی به حضور در این فضاها دارند و سلطه فضای مردانه را در این عرصه‌ها نفی نموده‌اند. در مورد عرصه‌های تفریحی و ورزشی در مجموعه معیارهای بررسی شده می‌توان گفت این عرصه‌ها در وضعیت متوسط قرار دارند. عملکرد این عرصه‌ها ذات تفریح را در خود دارد. اما در مورد ابعاد دسترسی و امنیت آنها اظهار نظرات متفاوتی شده است. بنابراین مشاهده می‌شود به طور کلی بانوان رضایت و تمایل نسبی به حضور در این عرصه‌ها دارند. همچنین از نظر جنسیتی نیز این فضاها نسبتاً مردانه ارزیابی شده است. به‌گونه‌ای که بانوان ترجیح می‌دهند به صورت گروهی یا با خانواده در فضا حضور یابند.

عرصه‌های مذهبی ماهیتاً تفکیک حضور زنان و مردان را می‌طلبد. بنابراین از این حیث بحث در مورد عدالت جنسیتی در این فضاها محلی از اعراب نخواهد داشت. اما عدم حضور مردان و یکدست بودن فضا و نوع فعالیت دینی که در این عرصه‌ها اتفاق می‌افتد سبب می‌شود از نظر امنیت و رضایتمندی در سطح بالائی ارزیابی شوند. آخرین دسته از فضاها مورد بحث فضاها فرهنگی است. این فضاها از نظر رضایتمندی و تمایل حضور بانوان و عدالت جنسیتی در پایین‌ترین رتبه در مقایسه با سایر فضاها قرار گرفت. ریشه یابی علت این امر نشان می‌دهد که محدودیت‌های زمانی و الزامات قانونی رسمی برای حضور افراد در این فضاها علت این امر بوده است. در آخرین گام بازگشتی به ادبیات نظری خواهیم داشت و بررسی می‌نماییم که نتایج و دستاوردهای تحقیق به چه میزان توسط ادبیات نظری بررسی شده پشتیبانی می‌شود. تمایلات زنان در عرصه‌های عمومی، در محدوده مورد بررسی از منظر تخصیص فضا و از منظر مشارکت دو تعبیر متفاوت را داشته است. می‌توان گفت تخصیص مناسبی از فضا در عرصه‌های عمومی وجود دارد؛ اما مشارکت شهروندان (به طور خاص بانوان) در تولید و بازتولید فضا متناسب با این تخصیص نبوده است. این امر سبب شده است بانوان نسبت به عرصه‌های عمومی مختلف تمایلات متفاوتی داشته باشند. این تفاوت علاوه بر عملکرد فضا و فعالیت‌های جاری در آن ناشی از درجات مختلف عرصه‌های عمومی در برخورداری از سه شاخص دسترسی، امنیت و تفریح است. به گونه حضور بانوان در عرصه‌های عمومی که امتیاز بالاتری در این سه شاخص

داشتند، بیشتر بود. پس برای طراحی و یا مداخله در فضاهای شهری با هدف ایجاد فضاهائی پویا که حضور پررنگ زنان را در کنار مردان دارا باشد باید این شاخص‌ها مورد توجه قرار داد.

بررسی فضائی حق به شهر در منطقه ۲۲ نشان می‌دهد، این امر بیش از آنکه پدیده معطوف به فضا باشد، وابسته به ادراک است. بنابراین مشاهده می‌شود متغیرهای فعالیت مذهبی و فرهنگی و ورزشی با وجود ارتباط معناداری که با حق به شهر دارند، از نظر فضائی توجیه پذیر نبودند. دلیل این امر را می‌توان در وجود فضاهای مردانه و محدودیت‌های حضور زنان دانست. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته به نظر می‌رسد ایده "عرصه‌ها جایگزین" دیودف می‌تواند راهکاری اثربخش بر این امر باشد. دیودف از سلسله مراتبی از فضاها صحبت می‌کند که در آن زنان می‌توانند به عرصه‌های عمومی راه یابند. نظر به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی، حضور زنان در فضاهای شهری توأم با هنجارهای دینی و رفتاری متعددی است. بنابراین ضرورت دارد سلسله مراتبی از فضا برای بانوان تعریف شود که بتوانند متناسب با شرایطشان و نیازشان در عرصه‌های عمومی حضور یابند. به این ترتیب زنان می‌توانند تجارب مختلفی در فضای شهری داشته باشند. فضاهای عمومی ویژه بانوان از طریق پارک بانوان، سالن‌های ورزشی ویژه بانوان و... که به صورت ۲۴ ساعته امکان حضور و فعالیت بانوان را داشته باشد می‌تواند کمک قابل توجهی به این امر نماید. نکته مهم این است که تعدد و توزیع این عرصه‌های جایگزین باید به گونه‌ای باشد که امکان حضور در این فضاها به صورت مکرر وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر عرصه‌های جایگزین باید در مقیاس محلی مکانیابی شوند حال آنکه به طور رایج این عرصه‌ها به صورت محدود و با مقیاس منطقه‌ای مکانیابی شده‌اند.

وجود عرصه‌های جایگزین حضور زنان را سلسله مراتب از فضاها ممکن می‌سازد؛ اما براساس پرسشنامه‌های تکمیل شده ضرورت دارد عرصه‌های عمومی شهری از لحاظ معیارهای روشنایی، امنیت، آموزش و فرهنگ‌سازی، وجود امکانات ویژه بانوان در فضا، مکانیابی مناسب زیر نیز سازماندهی شوند تا بتوانند حضور بی‌دغدغه بانوان را میسر سازد. این نتیجه‌گیری در راستای نقطه نظرات مطرح شده توسط دسته اول از نظریه پردازانی بود که در پیشینه تحقیق به آنها اشاره شد. به این ترتیب حضور زنان در فضاهای شهری معطوف به تجربه و ادراک است و اولویت با فعالیت و فرهنگ است تا کالبد فضا. پس عرصه‌های عمومی هنگامی به تحقق حق به شهر می‌انجامد که بتواند تجربه و تکرار حضور اختیاری زنان را به همراه داشته باشد.

منابع و مأخذ:

۱. بلیکی، ن. ۱۳۸۴. طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه چاوشیان حسن، نشر نی. ۷۳.
۲. حاجی احمدی همدانی، آ، ماجدی، ح، جهانشاهلو، ل. ۱۳۹۴. بررسی معیارهای تأثیرگذار برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری مطالعه موردی: محله پونک (۲۰ متری گلستان) شهر تهران، مطالعات شهری. ۴۷-۵۹.
۳. خدایاری، م، شارع‌پور، م، تولائی، ن. ۱۳۹۶. بررسی تأثیر شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری بر میزان تحقق حق به شهر: مطالعه موردی شهر بابلسر. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. ۴ (۹). ۱۸۹-۲۲۵.
۴. ذکائی، م، س. ۱۳۹۵. فضاهای فراغتی شهری و زنانگی‌های جدید. علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی) شماره ۷۳. ۶۳-۹۲.
۵. ذکاوت، س، رضایی، م، حاتم، پ. ۱۳۹۹. ارتقا سرزندگی در فضاهای شهری با تأکید بر رویکرد ساماندهی منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۵۰، ۱۹۹.
۶. رفیعیان، م، الوندی پور، ن. ۱۳۹۵. مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۲، ۲۵-۴۷.
۷. رفیعیان، م، نسترن، م، عزیزپور، س. ۱۳۹۲. ارزیابی رضایتمندی از فضای شهری با توجه به متغیر جنسیت، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۱، ۳۵-۵۸.
۸. رهبری، ل: شارع‌پور، م. ۱۳۹۳. جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفر در تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران. ۱۱۶-۱۴۱.
۹. شارع‌پور، م، رفعت‌جاه، م، رهبردی، ل. ۱۳۹۴. جایگاه شهروندان تهرانی در نردبان آرنستاین: بررسی جنسیتی بعد مشارکتی حق به شهر، رفاه اجتماعی. ۱۷۷-۲۰۳.
۱۰. عظیمی‌هاشمی، م، رضوی زاده، ن. ۱۳۸۹. حق شهروندی و فضای شهری، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. ۱-۱۰.
۱۱. غیاثوند، ا، ۱۳۹۳، تأثیر فضای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی، جنسیت و خانواده. ۷۹-۹۸.
۱۲. کلانتری، ع، صدیقی‌کسمایی، م. ۱۳۹۶. از مطالبه‌ی حق به شهر تا شکل‌گیری انقلاب شهری (شهر تهران، سال ۱۳۵۷)، دوره ۷، شماره ۲۳، ۵۳-۷۸.

۱۳. مجیدی خامنه، ب، آقایی، پ، زرغامی، س، رئیسی، ح. ۱۳۹۹. تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی سبز، مورد پژوهی: پارک نیاوران، منطقه یک شهرداری تهران، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۵۰، ۶.
۱۴. موحد، ع، شماعی، ع، اسدی کلمتی، ا. ۱۳۹۸. سنجش کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر خیابان رودکی و آذربایجان در محله سلسبیل منطقه ۱۰ تهران، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۷۲، ۴۵.

1. Beebejaun, Y. 2016. Gender ,urban space, and the right to everyday life. Journal of Urban Affairs , Volume 39 ,2017 – Issue 3, 323-334
2. Butcher, M. 2015. How women are reclaiming their right to public space in Delhi.
3. Daphne, S. 2014. Annual Review of Sociology 40:1: 581-598
4. Doan, P L. 2010. “Gendered Space” In Encyclopedia of urban studies, edited by Ray Hutchison, Thousand Oaks: SAGE:298-302.
5. Duff, C. 2017. The affective right to the city, Transactions of the Institute of British Geographers: Vol 42 ,No 4:516-529.
6. Geel, A. 2016. Separate or together? Women-only public spaces and participation of Saudi women in the public domain in Saudi Arabia, Contemporary Islam, Volume 10, Issue 3, pp۳۷۸-۳۵۷ :
7. Gieryn, TF. 2000. Annual Review of Sociolog ,Volume 26, pp: 463-496
8. Harvey, D. 2012. Rebel cities: from the right to the city to the urban revolution. Verso Books,5
9. Isensee, P. 2016 .International Observers, Civil Society, Policies, Research & Analysis ,Solutions,3
10. Janoski. 1997.Citizenship and civil society a framework of rights and obligations in liberal traditional and social democratic regimes. Cambridge university press.57
11. Jianga, B. Makb, C. Larsenc, L Zhongd ,H. 2017. Minimizing the gender difference in perceived safety :Comparing the effects of urban back alley interventions, Journal of Environmental Psychology, Volume 51: 117-131

12. Lukes, S. 1974."power:a radical view " in Scott , Johned(power: critical concepts , vol ,24(Autumn) ,No.2,:85-91
13. McCann, E. J. 2002. Space ,citizenship, and the right to the city: A brief overview. *GeoJournal* 58: 77-79
14. Mehta ,V. 2013, Evaluating Public Space, *Journal of Urban Design*, Volume 19, - Issue 1: 53-88
15. Middleton, J. 2016. The socialities of everyday urban walking and the 'right to the city. *Urban Studies*. 55. 10.1177/0042098016649325:296-315
16. Purcell, M. 2003. Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order ,"*International Journal of Urban and Regional Research*, 27, :564-90
17. Rodrigues, Camila. 2015. On the right to the city. *Geography and Spatial Planning Journal*:217-227
18. Sofer, M. 2016. Book review "Hamdan H, *Geographies of Muslim Women, Gender, Religion and Space*, Edited by Ghazi-Walid Falah and Nagel, Caroline. New York, London: The Guilford Press -.۲۰۰۵ , *Geography Research Forum*,323-325